

شرح رساله حقوق

درباره آثار یاد مرگ مطالبی را عرض کردیم. با استناد به روایتی از امام صادق (ع) به هفت اثر از آثار ذکر موت اشاره کردیم که در صدر آنها مسئله هدم شهوات و از بین بردن شهوات بود. لطافت روح، تقویت ایمان و عقیده و باورهای قلبی، تحقیر دنیا از آثاری بود که بعضی جنبه ایجابی داشت و برخی جنبه سلبی.

برخی آثار دیگر یاد مرگ

اگر بخواهیم کثرت یاد مرگ را فهرست کنیم زیاد است. اگر مجموعه آیات و روایاتی که اشاره به آثار مرگ اندیشی دارد، بخواهیم اگر بیان کنیم بسیار زیاد است. پیامبر (ص) و برخی ائمه (ع) در چندین روایت جداگانه به برخی از آثار و نتایج یاد مرگ اشاره کردند، از جمله؛

۸. آسان شدن مرگ

پیامبر (ص) در یک روایت می‌فرماید: یاد مرگ مردن را برای انسان آسان می‌کند، بالاخره همه از مرگ می‌ترسند، یک چیز ساده‌ای نیست، انتقال از یک نشئه به نشئه دیگر، از یک عالم به عالم دیگر امر مشکلی است، مخصوصاً برای کسی که اصلاً به یاد مرگ نباشد. این یاد مرگ نبودن، مرگ را برای انسان سخت می‌کند، ولی یاد مرگ، مرگ را برای انسان آسان می‌کند.

۹. احیاء قلب

در روایتی آمده «عنه (صلی الله علیه و آله): أَكثِرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ، فَمَا مِنْ عَبْدٍ أَكْثَرَ ذِكْرَهُ إِلَّا أَحْيَا اللَّهُ قَلْبَهُ وَ هَوَّنَ عَلَيْهِ الْمَوْتَ»^۱ می‌فرماید: هیچ بنده‌ای نیست که یاد مرگ را بسیار داشته باشد مگر آنکه خدا قلب او را احیاء کند، یعنی یاد مرگ باعث زنده شدن قلب است، و هون علیه الموت، موت را برای او آسان می‌کند، کسی که یاد موت باشد، این بازدارنده است از بعضی از کارها و ترغیب کننده است به بعضی از کارها، تعلق انسان را به دنیا کم می‌کند. می‌دانید که انسان موقع مردن به شدت نگران آن چیزهایی است که به آنها علاقه دارد، لذا همه آنچه که به آنها تعلق دارد موقع مردن در مقابل او صف می‌کشند. هرچه آمادگی کمتر باشد این جدایی سخت‌تر است، هر چه آمادگی بیشتر باشد این جدایی آسان‌تر است، مثل درختی که ریشه در خاک نداشته باشد یا ریشه ضعیفی داشته باشد یا درختی که به شدت در خاک ریشه داشته باشد، تعلق انسان به دنیا ریشه‌های انسان در خاک است، هرچه این ریشه‌ها تنومندتر باشد سكرات موت بیشتر است. زیرا کندن این درخت با این ریشه کار هر کسی نیست، این است که انسان خیلی عذاب می‌کشد، سكرات موت وقتی بر انسان هموار می‌شود که ریشه تعلقش به دنیا ضعیف باشد، اگر یک نهالی دو یا سه ریشه در خاک داشته باشد یک طفل نیز این نهال را می‌تواند از خاک در بیاورد. اما اگر این ریشه‌ها عمق پیدا کرده باشد و ضخیم شده باشد به این سادگی قابل خارج کردن و جدا شدن نیست. برای این است که اگر انسان یاد مرگ باشد، زیاد یاد مرگ باشد، موت برایش آسان می‌شود. ببینید احیاء قلب، آسان شدن موت و خیلی آثار دیگر، ما الان در مقام بر شمردن این آثار نیستیم.

۱۰. قناعت

یکی دیگر از این آثار که پیامبر (ص) از آن یاد می‌کند این است که اگر انسان زیاد یاد مرگ باشد به آنچه که دارد قانع است و او را کفایت می‌کند، حرص او را از بین می‌برد. رضایت و خشنودی از زندگی، احساس رضایت، انسان با مرگ اندیشی رضایتش از زندگی افزون شود.

^۱کنز العمال، ۴۲۱۰۵.

در کلامی از حضرت علی (ع) شهوات و لذت‌های ناروا، با یاد مرگ از بین می‌رود. می‌فرماید: «أَلَا فَادْكُرُوا هَازِمَ اللَّذَاتِ وَ مَنْعِصَ الشَّهَوَاتِ وَ قَاطِعَ الْأُمْنِيَّاتِ عِنْدَ الْمَسَاوِرَةِ لِلْأَعْمَالِ الْقَبِيحَةِ، وَ اسْتَعِينُوا اللَّهَ عَلَىٰ أَدَاءِ وَاجِبِ حَقِّهِ وَ مَا لَّا يُحْصَىٰ مِنْ أَعْدَادِ نِعْمِهِ وَ إِحْسَانِهِ»^۱

هشدار می‌دهد، یاد مرگ کنید عِنْدَ الْمَسَاوِرَةِ لِلْأَعْمَالِ الْقَبِيحَةِ، هر کار زشتی که می‌خواهید انجام دهید از مرگ یاد کنید. هر وقت به فکر کار ناشایست می‌افتید، هر گاه آهنگ کار قبیح می‌کنید، یاد مرگ بیفتند. ببینید مساوره از ماده سور بر وزن قوم است، به معنای هجوم، پریدن و جهیدن به یک سمت. گاهی ممکن است یک وسوسه شیطانی، آتشی را در درون انسان روشن کند که بی‌مهابا و ناخودآگاه دست به یک کار ناشایست بزند. همه اینهایی که کار قبیح می‌کنند گاهی غافل‌گیر می‌شوند از این جهت که مساوره دارند، مساوره به معنای گام به گام و کم‌کم به سوی حرام و کار قبیح رفتن نیست بلکه جهش و پریدن و حمله کردن است، یعنی کأنه همه چیز یادشان می‌رود و سر از پا نمی‌شناسند؛ دیدید یک حیوان درنده وقتی یک شکار را می‌بیند مخصوصاً وقتی گرسنه باشد چگونه ناخودآگاه به سوی آن حمله می‌برد و شکار می‌کند طعمه خودش را. گاهی انسان‌ها تسلیم وسوسه‌های شیطانی می‌شوند یعنی یک وسوسه‌ای در درون آنها ایجاد می‌شود که حمله می‌برد به سمت آن کارها، حال یا این دروغ است یا غیبت است یا خدای نکرده یک کار حرام دیگر است یا تعرض به مال دیگر یا خیلی از امور می‌تواند باشد. این آتش وقتی در درون انسان روشن شود ممکن است آتش خشم باشد، گاهی خشم باعث می‌شود که انسان حمله کند، گاهی شهوت این حالت هجوم را برای انسان پیش می‌آورد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: عِنْدَ الْمَسَاوِرَةِ لِلْأَعْمَالِ الْقَبِيحَةِ این کار را بکنید فَادْكُرُوا هَازِمَ اللَّذَاتِ وَ مَنْعِصَ الشَّهَوَاتِ وَ قَاطِعَ الْأُمْنِيَّاتِ سه وصف ذکر می‌کند.

هَازِمَ اللَّذَاتِ بر هم زنده لذت‌ها، چرا می‌گوید هَازِمَ اللَّذَاتِ برای اینکه انسی که بشر با بعضی از امور دارد و لذت‌های کاذبی که برای انسان ممکن است شکل بگیرد، عیش و عشرتی که ممکن است انسان در برخی موارد برای خودش حس کند، آن زمانی که در اوج مستی است و سر مست از خوشی، وقتی یاد مرگ می‌افتد آن کاخ و ساختمان کاغذین، ساختمان دروغین او فرو می‌ریزد، شهوت وقتی بر انسان غلبه می‌کند اینطور است، وقتی شهوت جنسی غلبه کند دیگر به سختی می‌تواند کسی از آن فرار کند، این مسئله کمی نیست، اینکه تعبیر هَازِمَ اللَّذَاتِ به کار می‌برند این بسیار دقیق و لطیف است.

وَ مَنْعِصَ الشَّهَوَاتِ از ماده نغص، به معنای ناگوار یا در بعضی کتاب‌ها به معنای گلوگیر شدن آب آمده، یعنی این شهوات و خواسته‌ها انسان را گلوگیر می‌کند، مرگ یعنی کأنه گلوی شهوت را فشار می‌دهد، این گلوگیر شهوات است. چطور وقتی گلوی کسی گرفته می‌شود دیگر از همه چیز جدا می‌شود یاد مرگ لذت‌ها را از بین می‌برد و گلوگیر کننده شهوات است.

وَ قَاطِعَ الْأُمْنِيَّاتِ قطع کننده آرزوهای دور و دراز است. آرزوهای دور و دراز که من چه بشوم، به کجا برسم، ثروتم، قدرتم، بعد وقتی یاد مرگ می‌افتیم می‌گوییم چه فایده، حالا همه اینها فراهم شد، چه فایده، ثم ماذا؟

وَ اسْتَعِينُوا اللَّهَ عَلَىٰ أَدَاءِ وَاجِبِ حَقِّهِ من شاهد من همان موت و خصوصیت نبود کفایت لذت‌ها و از بین بردن و گلوگیر شدن شهوات بود.

«والحمد لله رب العالمين»

^۱ نهج البلاغه، خطبه ۹۹.